

# فرصت خانی

کتابیون متین  
katayoon1@gmail.com

ساده صورت می‌گرفت، نخست در مرحله‌ی اول، فقط برگه‌ها را که نشان‌دهنده‌ی حرف‌های افراد بود، روی صفحه چسباند (فقط با استفاده از دو بعد). ولی در این مرحله که از او خواستیم رفع مشکل یکی از این دو نفر را به دست نفر دیگر نشان دهد، از صفحه خارج شد و در سه بعد شروع به کار کرد (عکس‌های شماره‌ی ۱ و ۲).



۱



۲

۲. به این دانش‌آموز امکان دادیم از خلاقیت خود استفاده کند و جنگل و جاده‌ای زیبا اما خطرناک را تصویر کند. ما به او نگفتیم

همکاران گرامی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی! حتماً گفت‌وگوی دایره و مستطیل را که در شماره‌ی قبل مطرح کردیم، به خاطر دارید. در این شماره می‌خواهیم از زاویه‌ی دیگری به تماشای نوعی از گفت‌وگو میان این دو شکل بشینیم. گفتیم که برگه‌ی  $A_4$  فضای گفت‌وگو میان جناب دایره و مستطیل است. این بار می‌گوییم: «برای یکی از این دو نفر، مشکلی پیش آمده است که نفر دیگر می‌خواهد در حل مشکلتش به او کمک کند. مشکل و راه‌حل را نشان دهید و مشخص کنید چرا یک نفر مشکل دارد و دیگری چگونه می‌خواهد به او کمک کند؟» به فعالیتی که یکی از دانش‌آموزان دوم راهنمایی مدرسه‌ی روشنگر انجام داده است، توجه کنید:

از نظر **ضحی حاجی‌خانی**، جناب دایره مشکل دارد. وی می‌گوید: «چون دایره لطافت دارد، ممکن است از روی احساس تصمیم بگیرد، انتخاب کند و فکر کند که راه زیباتر و پردرخت‌تر او را به خانه می‌رساند. ولی مستطیل قدرت خلاقیت بیشتری دارد. می‌داند که ته راه پردرخت به دره می‌رسد.» از او پرسیدم: «از کجا مطمئنی که مستطیل راه بهتر را می‌شناسد؟»

و ضحی در جواب گفت: «او حتماً این راه را رفته است یا به خوبی می‌تواند آن را تصور کند.»

بخش سفید رنگ روی دایره را نشان دادم و پرسیدم: «چرا این جا سفید شده است؟» گفت: «دایره، مشکلی به رنگ قرمز و به شکل دایره داشته که فقط در این قسمت‌های سفید رنگ حرف‌های مستطیل به او اثر کرده و راه‌حل را پذیرفته است.»

## نکته‌ها

۱. همین دانش‌آموز در گفت‌وگوی دایره و مستطیل که به صورت



۵

صورت گیرد تا حل مشکل صورت پذیرد می‌توانست از این دانش آموز بیرسد: خود فرد دارای مشکل (در این جا دایره) از نظر تو چه باید بگوید



۶

**دانش آموز ما توانست دست به تشخیص مشکل بزند و شکل، رنگ، جایگاه، داستان و روایت مشکل را نشان دهد**

که راحت تر مشککش برطرف شود؟ در این صورت، شاید بتوان توجه دانش آموز را به این موضوع جلب کرد که گاهی باید پیش از تحمل انتظار برای دریافت کمکی از بیرون، تحول را از درون شروع کرد.

۷. این دانش آموز بدون این که ما به او بگوییم، روی مرحله به مرحله‌ی این گفت‌وگو شماره گذاری کرده است. او در این تعامل برای دایره و مستطیل، نوبت قائل شده است. شماره‌ی یک را هم به طرح موضوع مورد اشکال اختصاص داده است.

۸. او از رنگ‌ها به درستی استفاده کرده و وحدت رویه‌ی استفاده از رنگ را رعایت کرده است. درخت‌ها، ابر گفت‌وگو که نشان دهنده‌ی گفتن راه حل است، علامت‌های سؤال هر دو نفر و نیز علامت تیک که نشان دهنده‌ی تأیید راه درست است، به رنگ سبز آمده است. یعنی هر چه از نظر او دارای بار مثبت بوده، با یک رنگ نشان داده شده است. و مشکل دایره را به صورت دایره‌ای تودرتو و قرمز نشان داده است. دوراهی را در هر دو نفر با رنگ قرمز که نشانه‌ی تشویش دایره است نشان داده که همین دوراهی، در مستطیل، روی ابر گفت‌وگوی ملاسیم تری با رنگ نارنجی قرار گرفته است. او رنگ راه‌حلی را که مستطیل به دایره داده، سفید انتخاب کرده است.

ما هم می‌توانیم عین این تمرین را به دانش آموزان خود بدهیم و به اندازه‌ی مدت زمان یک کارگاه گفت‌وگو، قدری با آن‌ها در نوع نگاهشان به مسائل، رنگ و شکل، محل و جایگاه استقرار مشکلات، زمان و مکان نوع ابراز، افشا و بروز حرف‌ها و مسائلشان، نحوه‌ی کمک‌رسانی و کمک‌گیری‌شان در حل مشکلات، همراه شویم و از این منظر بهتر بدانیم که هر کدام از دانش آموزان ما چگونه به پتانسیل‌های حسی خود مانند شنوایی اعتماد می‌کنند و چگونه قدرت تکلم خود را در ایجاد این نوع گفت‌وگو و به منظور حل مسئله‌ی یکی از طرفین به کار می‌گیرند تا در مواقع لازم مانند حل مسئله، بتوانند از این توانمندی‌های خود به راحتی و به درستی استفاده کنند. هدف ما در این شیوه‌ی تسهیل‌گرانه، خودآگاه کردن افراد شرکت کننده نسبت به موقعیتی است که در چنین مواردی انتخاب می‌کنند.



۳

چون شکل مستطیل زاویه‌های خشن دارد، مشکل دارد. او مشکل را در احساس لطافت بیش از حد دایره دانست. او انتخاب کرد.



۴

۳. دانش آموز ما توانست دست به تشخیص مشکل بزند و شکل، رنگ، جایگاه، داستان و روایت مشکل را نشان دهد (عکس شماره‌ی ۳).

۴. دانش آموز ما توانست راه حل بدهد. یعنی این توانمندی را در صفحه‌ی گفت‌وگوی خویش حس کرد که می‌تواند راه حل خاص خود را ارائه دهد (عکس شماره‌ی ۴)؛ چرا که برگه‌ی هیچ کس دیگری شبیه او نبود. او مشکلی را اختصاصی مطرح و به طور اختصاصی هم حل کرد. این کار اعتماد به نفس برای بیان مسائل، گفت‌وگو در راستای حل مسائل و حس کمک کردن به دیگران را در او می‌پروراند (عکس شماره‌ی ۵).

۵. البته اگر این کار به او این اطمینان را بدهد که راه حل ممکن، همین است و بس، می‌تواند برخلاف هدف تسهیل‌گری که آسان‌سازی آموزش و نیز پرورش خلاقیت دانش آموز است، حرکت کند. ما باید در انتهای کارگاه راه را باز بگذاریم تا بتوان راه‌حل‌های جدید را بدان افزود. ۶. این دانش آموز از ابر گفت‌وگو فقط برای کسی استفاده کرد که می‌خواست راه حل را نشان دهد (عکس شماره‌ی ۶). این می‌تواند نشانگر آن باشد که در ذهن او، همیشه از بیرون یک فرد باید کمک برسد. معلم برای تفهیم این مطلب که گاهی شروع گفت‌وگوها باید از درون